

پلخمون

آرایش تهاجمی دولت در برابر تورم (جراید)



چالش های
استخدام
مدیران جوان

کبر کتی / صفحه ۴

مزاحمان اورژانس از
حس و حال خود می گویند

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲

کی تورو
قشنگت کرده!؟

کی تو رو قشنگت کردہ؟!!



۱۴۰۴: پس از سال‌ها انتظار و رنج‌کشیدن، اعلام شد که عکس کارت ملی زیباتر می‌شود. رئیس ثبت احوال مژده داد: تغییراتی در قسمت عکس کارت‌های ملی در راه است و برای رفع نارضایتی مردم یخسنامه‌هایی به دفاتر پیشخوان ابلاغ شده است.

۱۴۰۵: برخی سودجویان اعلام کردند که در آلتیه آن‌ها می‌توان عکس‌هایی گرفت که حتی از عکس کارت ملی هم زیباتر باشد. یک کارشناس کشف جرائم گفت: چنین چیزی ممکن نیست و کسی که بگوید می‌تواند عکسی زیباتر از عکس روی کارت ملی بگیرد، دو حالت بیشتر ندارد: آدم مارمولکی است که می‌خواهد کلاهتان را برادر یا می‌خواهد کلاه سرتان بگذارد.

۱۴۰۶: سازندگان چند اپلیکیشن معروف جهانی ادیت عکس گفتند: لامصب نمی‌دونیم چیه که هر فیلتر چهره‌ای که ما بسازیم، باز هم نمی‌تونه به زیبایی تصویری بشه که ثبت‌احوال از مردم هنگام گرفتن عکس کارت ملی می‌گیره. اگه همین‌طور پیش بره که ما هم باید جمع کنیم، بزنینم توی کار به اپلیکیشن دیگه!

۱۴۰۷: سخنگوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جمع خبرنگاران اعلام کرد زین پس به جای اصطلاح متداول «به جمالت نناز که به تبی بند است» بگوید «به جمالت نناز که به اداره ثبت بند است». ضمناً این فرهنگستان اعلام کرد: درمقابل کاری که انجام می دهیم، بودجه کمی می گیریم. از مراجع بالادستی متشکر خواهیم شد اگر سال بعد بودجه مان را یک دوسه هزار میلیارد تومان دیگر بیشترش کنند.

۱۴۰۸: منتشر کردن عکس‌های کارت ملی قدیمی ممنوع شد. به گفته یکی از کارشناسان، از این به بعد اگر کسی عکس کارت ملی قدیمی شما را در فضای مجازی منتشر کند تا سه‌هفته طنز آن‌ها شوید. با او همانند کسی که فیلم‌های حریم خصوصی را منتشر کند برخورد می‌شود و چوب به سمت آستین وی هدایت خواهد شد.



سیرک

تفاهم و توافق میان ہند و پاکستان

- سلام هندی!
● سلام پاکستانی!
● می‌گم هندی! مگه آدمای ما با هم اختلاف ندارن؟!
● چرا پاکستانی!
● مگه آدمای ما سر اختلافاتشون مثل خروس جنگی به هم نمی‌پرن هندی؟!
● چرا پاکستانی! چطور مگه؟!
● پس چی شده که ما برنجا این قدر با هم تفاهم پیدا کردیم هندی؟!
● کجا توافق کردیم پاکستانی؟! خدا اون روز رو نیاره! ماته بگیریم و بسوزیم، بهتر از اینه که با هم توافق کنیم! آدمای ما این همه هزینه نکردن بمب اتم بسازن که ما برنجا بیایم آشتی کنیم! اگه دو پولپو روی دو خط موازی هم به هم برسن، هندی و پاکستانی هیچ وقت به تفاهم نمی‌رسن!
● پس چرا توی بازار برنج ایران این قدر تفاهم داریم هندی؟!
● من کمیاب می‌شم، تو هم کمیاب می‌شی! من گرون می‌شم، تو هم گرون می‌شی. اسم من توی اخبار می‌آد، اسم تو هم می‌آد! تازه روم به دیوار، بلا به دور، شنیدم بیشتر آشپزای ایران، ما دوتا رو با هم مخلوط هم می‌کنن!
● واویلا و اامیسیتا! والسفا! مخلوط کردن هندی و پاکستانی؟!
● واحیرتا! سبوسام ریخت! مگه ایرانیانمی‌دونن هندی و پاکستانی مثل جامد در جامد، هیچ‌گاه مخلوط نخواهند شد؟! کاش شفته می‌شدم و این چیزا رو نمی‌شنیدم!
● ولی می‌گن اینا کار خودشونه هندی! قابلمه مردم رو با ما گرم می‌کنن تا بتونن برنج خودشون رو بکشن بالا! شنیدم این قدر برنج ایرانی رو گرون کردن که خود ایرانیها هم نمی‌تونن برنج خودشون رو بخورن! همه شون دنبال ما برنج خارجیا هستن!
● پس برنج ایرانی رو کی می‌خوره پاکستانی؟!
● حتما خارجیا می‌خورن هندی!
● حقشونه پاکستانی! تا اینا باشن دیگه ما رو با هم به تفاهم نرسونن! تازه همین جوری پیش برن، تا چند وقت دیگه شلتوک ما رو هم نمی‌تونن بخورن!
● خوب گفتمی هندی! دم بالا آوردم از کلامت! دانه هات بلند باد!

كُتُبُ

منصورہ احمدی

وزیر نفت و وزیر رفاه در حاشیه مراسم گرامیداشت روز زن



این قانون قطع سهمیه کارت سوخت ماشین دوم به بعد باعث شده آقایون ماشین دومشون رو به نام خانومشون بزنن. احتمالا خانوما می خوان از من بابتش تجلیل به عمل بیان.

از منم لابد به خاطر کاهش رفاه
اقتصادی که منجر به کاهش تعدد
شلوار آقایی شده. قدر دانی می‌کنن!

اینکه ما رو توی مراسم
گرامیداشت مقام زن دعوت
کردن، یه کم مشکوک نیست؟

وزیر نیرو در مجلس شورای اسلامی



هفته پیش گفتیم برق رو
ذخیره کنن یا آب رو؟ آب و برق رو
گفتیم؟ الان باید گاز رو بگم؟ یا بنزین
رو گفتیم، الان باید باد رو بگم؟ منابع انرژی
کدوما بود؟ علوم کلاس چهارم؛ خورشید، باد،
آب، فسیل ها؟

در حاشیه دیدار معاون اول و وزیر صمت با وزیر صنایع بلاروس



باشه بابا، توام با اون پرایدت!
انگار مرسدس میباخ داره
تولید می‌کنه!

آقا دهنتون قرص باشه ها. درباره انتقال تجربیاتمون در صنعت خودرو بهشون اطلاعات ندین. اگه درخواست قرارداد صادرات خودرو دادن هم ناز کنین. می خواین اصلاً شما بشینین. خودم باهاشون صحبت کنم؟

مجلس شورای اسلامی



اووو! پس بقیه‌ش رو نشنیدی!
گفته عامل بعدی تورم، خود
دولته! تورم از خودشه. هر جا
می‌ره، اونجا رو تورمی می‌کنه!

شنیدید پزشک‌های پشت سرمون گفته
مجلس یکی از عوامل تولید تورمه؟
مرد حسابی، تو خودت تا دیروز مگه
مجلس آدم نبود؟

پراید متزور

ناموس عشق و رونق عشاق می برند
عیب جوان و سرزنش پیر می کنند
صد ملک دل به نیم نظر می توان خرید
خوبان در این معامله تقصیر می کنند
می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
چون نیک بنگری همه تزویر می کنند

در بیت اول جناب حافظ با عصبانیت می فرماید خودشون آبروی خودرو سازی رو بردن و خودروهای پرمصرف و ناایمن رو با چند برابر قیمت می دن دست مردم. بعد جوون و پیر ایرانی رو چپ و راست سرزنش می کنن که بنزین زیاد مصرف می کنین! بنزین رو نمی خورن که. می ریزن توی خودروهایی که خودتون دادین دستشون! در بیت دوم اشاره شده به سخنان بجا و بموقع رئیس جمهور درباره کم کاری و تقصیر خوبان. یعنی همون همسران مسئول و غیرمسئول که اجازه دزدی به آقا شون می دن! اگه ندن، اونا هم غلط بکنن دزدی کنن! بیت آخر هم در مورد ریاکاریه! حافظ می فرماید همه ریاکارن؛ چه اون که ماشین ساده ش رو ضدگلوله می کنه، چه اون که مازوت می سوزونه و می گه نسوزوندیم، چه اون که می گه اوضاع الان موهیته یا اون که هنوز دلار ۱۲۵ هزار تومنی رو هم به رسمیت نمی شناسه و...



در حاشیه دستور رئیس جمهور برای سیاه کردن سیم کارت های سفید



صفحه ۲
۲۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۸

هنگام به غلامی قبول کردن، دقت فرمایید!

نامطلوب ترین خواستگار هفته:

خانواده هایی که خواستگاراها پاشنه در را، و البته لولا و چارچوب درشان را از جاکنده اند! لطفا توجه فرمایند. در عرض یک سال وزارت راه و شهرسازی با موجی از تغییرات روبه رو بوده و در مجموع ۳۶ جابه جایی مدیریتی شامل ۲۴ انتصاب و ۱۲ عزل ثبت شده است و برخی مدیران کمتر از یک ماه در پستشان بوده اند. این یعنی اگر دنبال داماد با شغل ثابت هستید ولی خواستگاری که شاغل وزارت راه بود به خواستگاری آمد گل و شیرینی اش را با کمال احترام به خانه خودتان راه دهید، ولی خودش را نه!

کاربردی ترین کشف هفته: تا الان

دانشمندان درباره هر محصولی که یک باره گران می شد، به این نتیجه می رسیدند که ضرر دارد، به ویژه در سال های اخیر گزارش های متعددی از مضرات و کشنده بودن کله پاچه و گوشت قرمز درست پس از افزایش قیمت سرسام آورشان در بخش های مختلف خبری پخش شده است. ولی این بار، در راستای گران شدن

بلند پروازترین عقاب هفته: عضو

شورای اسلامی شهر سمنان فرمودند: خبرنگاران «کلاغ» هستند، عقابی که با دید بلند پرواز می کند، وقت خود را صرف چند کلاغ نمی کند. این عضو، ببخشید این عقاب حق هم دارد. عقابی که آن قدر بلند پرواز می کند، دیگر مشکلات فاضلاب، ترافیک و چاله چوله کوچه پس کوچه ها را نمی بیند و فقط چاله هایی را مشاهده می کند. فقط یک سؤال: اگر عقابی تا این حد بلند پرواز و بی اعتناست، چرا وقتش را صرف حرف زدن درباره کلاغ ها می کند؟



عضو شورای شهر تهران: شما بپوش آب فضای سبز توسط برخی پیمانکاران به کارواش ها (خبر آنلاین)

ما کنار باغچه، در دستان یک آب پاش
آب ها اما رود یکجا به سمت کارواش
آی مسئولی که حرف از صرفه جویی می زنی
اندکی هم پس به فکر آب های رفته باش!

رئیس مؤسسه آب: اگر در ایران بارش رخ نمی دهد در اسناد فوق سری دنبال جابر زنی بگردید (خبر آنلاین)

می کنم دائما خبر دزدی
یا که از باغبان، تبر دزدی
ابردزدی نکرده ام، تنها...
بنده هستم بلد آبردزدی

مدیرکل تعزیرات حکومتی: با افزایش ضابطه قیمت لبنیات قاطعانه برخورد می کنیم (صبا و سیما)

قاطعانه، با صلابت، چون پلنگ و نره شیر
می کنم برخورد با نرخ پنیر و دوغ و شیر
می کنم برخورد، اما زورشان بیش از من است
گرچه هستم از نژاد کقباد و اردشیر

مشهد اکو تپن شهرکشور شد (خراسان)

باید که یکایک همه بانی بشویم
تا زودتر از بقیه فانی بشویم!
یک ذره تلاش بیشتر لازم هست
تا حائز رتبه جهانی بشویم

مزاحمان اورژانس از حس و حال خور می گویند



گفتن قفسه سینه تون تنگی می کنه و درد شانه دارین؟ خون سردی تون رو حفظ کنین. گفتن چند نفر مشکی پوش با قیافه ترسناک دارن به سمتتون می ان؟ مسلح هستن؟

بله. لابد سلاشون رو زیر پراشون قایم کردن.

بدم می آید از اینایی که واسه مزاحمت، یک کلاغ چهل کلاغ می کنن!

کارتون: شهرام شیرزادی

عملیات نجات

پسر چهارده ساله، دانش آموز، من زنگ زدم ۱۱۵، چون اوضاع روح و جسمم خوب نبود. چندروزه دختری که دوستش داشتم، بیامام رو سین نمی کنه. منم تصمیم داشتم دیگه خودم رو خلاص کنم. برای همین دوتا استامینوفن رو ریختم توی یک بطری آب و به زور خوردم. بعد دیدم تأثیری نداشت، ولی به شدت نیاز به دست شویی پیدا کردم. در توالت گیر کرده بود و باز نمی شد. برای همین زنگ زدم به ۱۱۵ تا بیان در رو بازکنن تا نترکم. البته بعدا فهمیدم که باید زنگ می زدم به آتیش نشونی و شماره ش رو اشتباه گرفته بودم.

تماس برای امر خیر

مرد پنجاه و پنج ساله، کاسب، راستش مدتی که همسرم عمرش رو داده به شما. یه بار جلو مغازه تصادف شد، زنگ زدم به ۱۱۵. بعد یه خانومی جواب داد که صدایش به چشم خواهری خیلی دل نشین بود. درهمون صدای اول عاشقش شدم. برای همین از اون روز هی زنگ می زنم به ۱۱۵ تا بلکه اون خانوم رو پیداکنم و ازش وقت بگیرم برای خواستگاری، ولی متأسفانه جواب نمی ده. فکر می کنم یا منتقل شده، یا بازنشسته.

حال ما خوب است

پیرمرد هفتاد ساله، بازنشسته، من مزاحم نشدم. این کار هرروزمه که زنگ می زنم به اورژانس. آخه چندسال پیش حالم بد شده بود و نیروهای اورژانس اومدن و حالم رو خوب کردن. بعدش گفتن اگه مشکلی پیش اومد، بهمون خبر بده. منم تماس می گیرم تا بهشون اطمینان بدم که حالم خوبه و طفلیا از نگرانی در بیان.

رفع سوء تغذیه

خانم مسن، خانه دار، من یه گربه دارم که مثل بچه می مونه. این فسقلی یه کمی بد غذاست. برای همین مجبور می شم هر دفعه به یه بهانه ای گولش بزنم غذاش رو بخوره. یه روز زنگ می زنم به ۱۱۵ و جلو گربه می گم اگه غذا نخوری می گم آقای دکتر بیاد آمپولت بزنه. یه روز زنگ می زنم به ۱۱۰ و می گم اگه غذات رو نخوری آقا پلیسه می آد دستگیرت می کنه. یه روز به ۱۲۵ زنگ می زنم و می گم این گربه من غذا نمی خوره، بیاین روش آب بریزین. اینم از این چیزا می ترسه و غذاش رو تا ته می خوره.

سخنگوی سازمان اورژانس استان تهران گفت در هفته های اخیر زنی با شماره ۱۱۵ تماس گرفته و با گزارش علائم کاهش هوشیاری، درخواست اعزام فوری نیرو کرده است. پس از رسیدن کارشناس اعزامی به محل، این خانم اعلام کرده به دلیل قطع برق، اکسیژن آکواریوم قطع شده است و ماهی ها حال خوبی ندارند و از کارشناس خواسته است برای اکسیژن رسانی به ماهی ها اقدام کند! این یک نمونه از تماس های بی ربط با اورژانس است که می تواند یک فرد واقعی نیازمند خدمات فوریتی را از کمک محروم کند. آن خانم می توانست خودش به ماهی ها تنفس دهان به دهان بدهد، یا یک گربه نشانسان می داد تا به هوش بیایند. شاید هم مثل داستان طوطی و بازرگان، ماهی ها خودشان راه مردن زده بودند تا از آکواریوم رها شوند و به دریا پیوندند. به هر حال با چند مزاحم تلفنی اورژانس صحبت کردیم تا قصد و نیتشان را از این کار زشت بدانیم.

صفحه ۴

۲۲ آذر ۱۴۰۴

شماره ۱۵۸

سراغ اصل مطلب بروید

الفا، اصول پایه و تمرین های ساده شروع راه واقعا حوصله سربزند. شما که به این چیزها نیازی ندارید. مستقیم بروید سراغ مرحله حرفه ای و خودتان را نشان بدهید. از اینجا به بعد دو مسیر پیش روی شماست. یا موفق می شوید که خب خوش به حالتان. اگر هم نشد، اعلام کنید دسته خرابه را دست شما داده اند.

آگاه باشید

بدیهی است که پس از تعداد مشخصی سال، مغز باید بازنشسته شود. چه انتظاری از یک مغز ساده دارید؟ یادگیری زبان یا هنر بعد از آن، دخالت در نظم طبیعی خلقت است. به این حرف ها که می گویند پژوهش ها قدرت مغز در سنین بالا را ثابت کردند، اصلا اعتماد نکنید.

به خودتان باور داشته باشید

شما با لفظه هنرمند هستید. پس اگر از همان روز اول شاهکار خلق نکردید، یعنی بازی خراب شده است. حواستان باشد که به بهانه تمرین، وقتتان را تلف نکنید. اگر زیاد اشتباه می کنید، باید فوری منصرف شوید. این مسیر برای شما ساخته نشده است.

درستایش ز گهواره تا گور

مبصر هشتاد ساله!



فرزانه شهروندی

فرزانه زینلی

سازمان غذا و دارو: پول دارو در چاله چوله‌های نظام سلامت گم می‌شود

روز نوشت‌های یک مسئول دارویی



صادرات و واردات

یک شماره ناشناس زنگ زد و گفت آقای دکتر ف (فلانی) سلام رسانده‌اند و گفته‌اند ۱۰ درصد پول رسیده را کار نداشته باشید، به صورت دلار دولتی برای امر خیر می‌خواهند. گفتم به آقای دکتر سلام برسانید. چه امر خیری؟ گفت قرار است فرزند دکتر ف در کانادا ازدواج کند، برای شایبش بالای سر عروس دلار لازم دارند. پس از آن، جلسه بررسی بودجه وزارتخانه بود. فهرست خرج کرد و تخصیص پول را بر دم تا گزارش بدهم. خوشبختانه توانسته بودم تقریباً ۲ درصد از بودجه را برای خرید دارو با چنگ و دندان نگه دارم. وقتی این را اعلام کردم، مدیر بخش تجهیزات سازمان گفت که آن مقدار پول را باید بدهم تا برای اتاق عمل بیمارستان‌ها موتور برق وارد کنند. توضیح داد چون قطعی برق در پیش داریم، بد است که دکتر و بیمار در اتاق عمل بی برق بمانند. آخر جلسه معاونم گفت داماد همین مدیر بخش تجهیزات در کار صادرات زعفران و واردات موتور برق و پمپ آب و کپسول گاز و ماسک اکسیژن و تصفیه هواست.

مدیرکل داروی سازمان غذا و دارو گفت: «اکنون در بدترین حالت ممکن از لحاظ ارزی و ریالی قرار داریم. پولی که برای دارو می‌آید، در چاله چوله‌های نظام سلامت گم می‌شود». اینکه در بدترین حالت ممکن ارزی و ریالی قرار دارند، چیز تازه و عجیبی نیست؛ مدت‌هاست همه در همین حالت هستیم. ولی اینکه پول دارو در چاله چوله‌های گم می‌شود، کمی غریب است. برویم دفتر خاطرات یک مسئول پول دارو در چاله چوله را بخوانیم تا بفهمیم جریان چیست.

حق العمل

از حسابرس‌ها خواستم که ریز صورت حساب‌ها را بدهند. بندهایی در لیست بود که تا حالا به گوشم هم نخورده بود. مثلاً یک قسمت بود برای نصب کسوزیر میز پزشکان برای سهولت در دریافت زیرمیزی. یک قسمت هم به عنوان حق العمل رؤسایی که مهاجرت کرده‌اند، یعنی رئیس‌هایی که به خارج مهاجرت کرده‌اند هم هنوز حق العمل می‌گیرند. عجیب است!

حوادث اورژانسی

امروز رئیس سازمان تزریقات تماس گرفت و التماس دعا داشت. این سازمان هم جالب است. چند سال پیش یکی از معاونان وزرای اسبق چون پسرش آمپول می‌زد، یک سازمان تأسیس کرد به نام تزریقات و برایش ردیف بودجه گرفت. از همان زمان این سازمان هم تبدیل شده است به یکی از چاله چوله‌های ما. آقای مهندس نامه زد که بخشی از بودجه را کنار بگذارم برای حوادث اورژانسی. در جواب پرسیدم که چنین ردیف بودجه‌ای تا حالا نداشته‌ایم و اصلاً چی هست؟ رئیس دفتر ایشان تماس گرفت و گفت آقای مهندس گفته‌اند صلاح نبوده است به صورت مکتوب پاسخ بدهند. تلفنی گفت منظور حوادثی است که برای آمبولانس‌هایی می‌افتد که مدیران را از خط ویژه عبور می‌دهد تا در ترافیک نمانند!

تخس بودجه

امروز بودجه وزارتخانه واریز شد. بودجه نسبتاً خوبی هم هست. آقای دکتر از من خواست تا آن را به عدالت بین بخش‌ها تخصیص کنم. خیلی کار سختی است. این قدر چاله چوله در این سازمان داریم که داخل هر کدام یک مثقال هم بریزیم، به خیلی‌ها نمی‌رسد. با مدیران جلسه داشتیم برای بررسی بودجه. مسئول بخش چاله‌های بیمارستانی گفت کارانه کارمندان مانده است. قرار شد بخشی از بودجه را به آن‌ها بدهیم. بلافاصله مسئول بخش چوله‌های اورژانسی هم گفت اضافه کار کارکنان آن‌ها هم چند ماه پرداخت نشده است. قرار شد یک درصدی از آن را هم ما بدهیم.

صفحه ۵
۲۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۸



برنامه‌ریزی

زمان مناسب را پیدا کنید. تحقیقات نشان می‌دهد که بهترین زمان یادگیری همان زمانی است که دیگران دارند. نه شما. حتی فردا، ماه بعد، سال بعد، پس از تمام کردن درس، پس از بازنشستگی، پس از رفتن بچه‌ها به خانه بخت و... زمان‌هایی طلایی هستند که هرگز نمی‌آیند. اما نقطه شروع تصمیم امروز شما را می‌سازند.

فکر کنید

با خودتان روراست باشید؛ الان وقت یادگرفتن است؟ شما دیگر باید دمپایی ابری بپوشید و وزیر پتو بخريد و از پنجره رفت و آمد فصل‌ها را ببینید. فوق فوقش جای دم کنید و آخر هفته قرص و داروی کل هفته را توی جعبه ساعت قرص‌هایتان بچینید. اگر کسی در پنجاه یا شصت سالگی زبان با هنر آموخت، حتماً استثنا بوده است. زندگی از قوانین ساخته شده است تا شما خیلی هم مجبور به تلاش نشوید.

گشوده باشید!

کسی که هر روز تمرین می‌کند، لابد وقتش زیادی است. حرفه‌ای‌ها گویا فقط الهام می‌گیرند. ویدئوهای آموزشی را ذخیره کنید، کانال‌ها را دنبال کنید و تادا! جریان انرژی کائنات به سمت یادگیری شما می‌چرخد.

مثل همیشه نگران نیات ایران در خاور میانه هستیم

صفحه ۶

ژنرال آمریکایی:

تماشاگران فوتبال جام جهانی

شنیدن شعار الزور

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت:

امیدواریم تا یک ماه آینده یک پلتفرم دیگر رفع فیلتر شود

که به علت استفاده فیلتر لم از آن بسی نمی شناسدش

وزیر ارتباطات:

بیش از ۸۲ درصد مردم از فیلتر بشکن استفاده می کنند

پس از وزارت خارجه

پزشکیان:

دستور دادم سیم کارت هایی که بشکن است

بشکن شود تا بفهمند آن ها که بشکن هستند

چه بلایی به سرشان می آید

حکم بسته اینترنتشان

هشدار اتحادیه طلا:

سکه بدون

فیلتر

همراه داشتن پول نلنید

پزشکیان:

هش ساعت

زنان هدایتگر

رفتارهای فرزندان

و همسران خود

هستند

به بیرون برای گذشتن اشغال هادم در

پاپ:

نشان خون دار روی همیشه روی غذاش نمک

ترامپ اتحادیه اروپا

و آمریکا را هم

می پاشد

نظام پزشکی:

فقط ۳ درصد

برای میزشنی خود

پزشکان زیر میزی

می گیرند

پیرکه

آرش آریایی

در حاشیه هم گروهی ایران با مصر در جام جهانی

۱۱ حاجی کمک کن چه جوری شکستشون بدم. تو راه مصری ها رو بلدی!

۱۲ بابا زمان ما فوتبال نبود اصلا.

۱۳ قلعه نویی. با این آنالیز کردند. اخراجی!

۱۴ بابا این بازیگره تو سریال کل مصر رو توی دستش تیم داشت. تیم که چیزی نیست.

۵ گفتیم دیگه داریم از پایه آنالیزشون می کنیم

۶ امیر چه جوری داری آنالیز می کنی؟

۷ این چیه دیگه؟

۸ تیم رو آنالیز کن. نه تاریخشون رو.

۹ از پایه بود خب!

۱ آره بابا. خیالت راحت.

۲ مطمئنی می تونی مصر رو ببری؟

۳ فرصت می خوام که از پایه آنالیزشون کنم.

۴ ایول! هرچی بخوای بهت می دم.

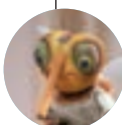
۵ فدراسیون فوتبال

صفحه ۶
۲۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۸

ناسوس

فرشته شایان

تازه رسیدن به سبک زندگی ما! قشنگ با مذاکره این گشنه می شه به اون می که بده بنزیم و برعکس. هیشکی هم گرسنه نمی مونه. آدمیزاد هم به این مکانیسم برسه، بهتر از ماشه و این صوبتا نیست؟ والا! می خوام اون گوشت و دنبه هات رو بذاری برای کی؟ وارث!



پشه

واسه دام ما حرف درنیارین. به کم این افزایش ۱۶۵ درصدی قیمت بهشون شوک وارد کرده، وگرنه مرغامون یه تریایی بشن، حله قضیه. بعدم بده مگه به خودکفایی پروتئینی برسیم؟! از تولیدیه مصرف؟ همون طوری که نماینده محترم اشاره کرد، این تازه مرز خطره! از مرز که رد بشن، یه چرخه غذایی تمیز شکل می گیره؛ جوجه هاتخم مرغامومی خورن، مرغا جوجه ها رو، دامدارا مرغارو، مردم دامدارا رو، مسئولاهم مردم رو و تمام! این طوری جعفرم ول می کنه!



وزیر کشاورزی

نماینده مجلس: بحران نهاده های دامی به مرز خطر رسیده است. جوجه ها و مرغ ها به دلیل نبود نهاده های دامی به «دیگر خواری» و تغذیه از بدن یکدیگر روی آورده اند. (ایلنا)



نکنه گاواهم دارن همدیگه رومی خورن که قیمت لبنیات این قدر لحظه ای و «الان یا الان؟» شده؟ خدا شاهده می رم سوپر، بقاله زنگ می زنه اتحادیه، گوشتی رو قطع نکرده هنوز، روی چندتا سایت چک می کنه اعلام لحظه ای می گیره. وسطش اگه قبل کارت کشیدن مشتری بیاد یابه هر دلیلی چند ثانیه وقفه بیفته، دوباره اعلام می کنه، مابه التفاوتش رو جدا کارت می کشه.



شهروند



خاطره بازی

سرویس-کا (با فعال شش کا فالوئر) صفحه اجتماعی سرویس کاری است که خراب کاری بقیه را روایت می کند: امروز از فدراسیون فوتبال تماس گرفتند که: «برای سرویس تشریف می آرین اینجا؟» گفتم: «ساختمون فدراسیون مشکل داره؟» گفتند: «نه! فوکش طبقات پایین که اون هم بریزه، برجه! یه طبقه کمتر حالا!» گفتم: «ساختارتون؟» گفتند: «نه، سر جاشه. آقای تاج ساختار رو محکم حفظ کرده!» گفتم: «سیستم وی ای آر؟» گفتند: «چندتا پنالتی و اخراج و قهرمانی از دستشون درمی ره، ولی مشکل حادی نداره! اون هم اگه بین دو هفته باهاش گیم بازی نکنن، دیگه قطع و وصل نمی شه!» گفتم: «ورزشگاه ها؟» گفتند: «نه، استعدادای فوتبال از همین زمین خاکیدارمی آن. چیه این چمن سبزی خارجی؟!» گفتم: «خودورزشکاران نیاز به سرویس دارن؟!» گفتند: «نه، همه چی که تحصیلات و فرهنگ و ادب و تمرین و آموزش نیست! جوونن، دل دارن! موهاشون بلند بشه، بیاد توی صورتشون، دروازه خالی بزنن توی اوت، حالا زحمات تیم به درک، توی اینستا فحش کششون کنن، زشت نیست؟!» گفتم: «خب کجارو می خواین سرویس کنین؟» گفتند: «جام جهانی رو!» گفتم: «خب جام جهانی که سرویس بردار نیست، باید بازی تدارکاتی بذارین و...» گفت: «نه، خود جام جهانی منظورمون نیست. قرعه کشی رومی خوایم برامون سرویس کنی!» گفتم: «اوه اوه! نه، کار من نیست. قرعه کشی همه جای دنیا داره پخش زنده می شه.» گفتند: «نگران چی هستی؟! سالترا گفته

به جز تلویزیون خودمون ممنوعه کسی پخش کنه! یه صدتا آباژور هم خریدیم و دادیم به تلویزیون و گفتیم حق پخش رو بدن، آباژورای اضافه رو می دیم به خودشون!» گفتم: «اصلا این کارا چیه؟! برین تمرین کنین، نون بازوتون رو بخورین. جلو اون همه مهمون شکیل نیست.» گفتند: «اتفاقا شکیل هست؛ دعوته!» گفتم: «آخ من عاشق صداشم! ولی از وقتی از بیکه جدا شد، این قدر سرهم جیغ و داد کردن که صداش گرفته! ولی بهتره بیام. فقط به خاطر منافع ملی و اهتزاز پرچم کشورم در آوردگاه بین المللی در برابر دشمنان و شکست هیمنه بدخواهان...» گفتند: «فقط شکیل اونیل منظورمون بود، بسکتبالیسته!» گفتم: «ایران با دوز و کلک هیچ وقت برنده نشده! ایران با قرعه خوب و قرعه بد سربلند بیرون می آد!» گفتند: «صبر کن، از خونه همسایه با ما کار دارن. تلفن قطعه. کسی کار داشته باشه، اونجایم می زنه!» بعد برگشتند و گفتند: «همسایه ماهواره داره، می که قرعه کشی تموم شد، دیگه نرین! گفت شما هیچ وقت تفاوت ژوئن و ژانویه و نوامبر و دسامبر و متوجه نمی شین!» با هیجان گفتم: «خب قرعه کشی چی شد؟! گفتند: «هیچی، خودش شکیل دراومد!» با خوش حالی گفتم: «ولی هیچ حریفی رو نباید دست کم گرفت.» گفتند: «جام های جهانی که می آد و می ره! مهم خاطراتشه! حالا توی هیئت همراه سال بعد دوست داری به عنوان سرویس کار حضور داشته باشی؟! خارج این قدر جای دیدنی داره که نگو؛ کلی خاطره می شه!»



سرانجام پس از هفته ها، قیمت جدید بنزین از امروز اعمال شد و بنزین آزاد به ۵ هزار تومان رسید.

- زاکانی: خداروشکر این اتوبوس برقی که آوردیم با گازوئیل کار می کنه، وگرنه هزینه شهرداری خیلی می رفت بالا.
- روحانی: این طرز گرون کردن هیجان نداشت. اگه به من بود همین رو می کردم ۵۰ تومن مردم حال کنن.
- جواد خیابانی: جالبه دفعه پیش بنزین جمعه گرون شد، این بار شنبه. مطمئن باشین دفعه بعد بنزین یکشنبه گرون می شه.
- زنوزی: اینا توی همه چیز به فکر استقلال و پرسپولیس هستن. قیمت بنزین رو بین چار و شیش گذاشتن که هوادارای دو تیم اعتراض نکنن.
- کنعانی زادگان: با این قیمت بنزین دیگه وقتشه همه از اتوبوس استفاده کنن.
- سختگوی دولت: حالا من که دنبال کارت سوخت سفید نیستم، ولی اگه مثل سیم کارتا سفیدش رو بهمون بدین، بد نیستا.
- رائفی پور: اینا گذاشتن روز زن برگزار بشه، بعد گرون کردن که روز مرد رو به حاشیه بیرن. مطمئنم گرونی بنزین کار خانوماست.
- جلیلی: یه کم زودتر این گرونی بنزین رو اعلام نکردن بی انصافا که من به جای ضدکلوله، ماشین رو لاقل گازسوز می کردم.
- جلی: برای اینکه گرونی بنزین داخل صداوسیما حس نشه، یه دور دیگه شروع می کنیم از اول فیلمایی که وسیله نقلیه اسب هست، مثل مختار و جومونگ، رو پخش می کنیم.

صفحه ۷
۲۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۸

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

پزشکیان:

ژاپن مگر چه کاری کرده است؟ شما فکر کنید اینجا ژاپن است و کار را انجام دهید.

خبرگزاری دانشجو



دانش آموز مشهدی:

فنلاند مگر چه کرده است؟ شما فکر کنید اینجا هلند است و مشق را حذف کنید.

شیخ نشین امارات:

قاجار مگر چه کرده است؟ فکر کنید الان دویست سال پیش است و این دوسه تا جزیره را به ما بدهید برود دیگر گداها!

کمپ ترک اعتیاد:

ساقی پارک مگر چه کاری کرده است؟ شما فکر کنید اینجا فضا است و در آن معلق شوید.

وزیر نیرو:

قطب جنوب مگر چه کرده است؟ فکر کنید اینجا قطب است و موقع قطع گاز سرما نخورید.

وزیر ارتباطات:

کره جنوبی مگر چه کاری کرده است؟ شما فکر کنید اینجا کره است و در شصت ثانیه یک گیگ دانلود کنید.

در حاشیه شروط ضمن عقد عجیب یک زوج؛ دیدار نزدیک با جنیفر لویز، سرویس طلای دوکیلوگرمی و شرکت در همه مسابقات جام جهانی! (جراید)

خواستگاری نگار دلبرم

یک شبی مهتابی و زیبا، شبی نیلوفری رفته بودم خواستگاری نگار دلبری رفته بودم با هزاران آرزو تا کوئی او با گل و شیرینی و البته یک انگشتری رفته آنجا با دلی عاشق، دو صد امید و بعد صادقانه نزد او گفتم سخن از هر دری گفتم ای مه، آدمم تا که کنیز من شوی! تاکنم من هم برایت تا همیشه نوکری گفتم من حرفی ندارم، می شوم بانوی تو می پذیرم دعوتت را هم برای همسری دارم اما شرط هایی طبق آداب و رسوم هیچ یک را هم نایستی بگیری سرسری چارده سکه فقط مهریه عقد من است دارم البته کنارش خواست های دیگری اول اینکه مطمئن باشم برایم می پزی چارده میلیارد همت قرص، نان بربری! دوم اینکه از هزار و ششصد و شش کامیون پیش چشمان خود بنده بگیری پنچری سوم اینکه دست خالی، رام گردانی شبی هشتصد قلاذه گرگ ماده خاکستری چارم اینکه بی طناب و حائل و چتر نجات یک شبی از برج ایفل یا که پیزا پیری! پنجم اینکه پابرهنه مثل مرتاضان هند نهصد و نه فرسخ از راهی زغالی بگذری! بابت شرط ششم در سالگرد ازدواج می کنی بر تن لباسی با تم گورخری! هفتم اینکه آوری یک خرس از قطب جنوب تا برقصد بر لب کارون برایم بندری! هشتمین شرط اینکه هم وزنم بگیری شمش زر بعد آن هم می رسد نوبت به شرط آخری آخرین شرط اینکه خودگفتی به من دل داده ای پس بکن قلب خودت را و بده تند و سری! (حرف «عین» افتاد از قافیه ام در بیت قبل مثل یک قلبی که می گردد جدا از پیکری!) تا که از یادم نرفته، می کنم تأکید که کل این ها هم شود فی الفور ثبت محضری «گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب» این همه، خواهد کهن مردی و یک گاو نری! من نه گاوم! نه خرم! هم نه کهن مردی قوی لطف کن دنبال کن یک شوهر جادوگری!

الهی! حالا که به قله همه گیری آنفلوآنزا صعود کرده ایم، سلامتی مان را حفظ کن و نگذار از این بالاتر صعود کنیم.

پنجمه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سر دبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضامی؛ ارزنگ حاتمی
دبیر ناشر: مجتبی نضعی راد
صفحه آرای: ملک جمعی

پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیکی از: shahraraneews.ir

چالش های استخدام مدیران جوان

در خبرها داشتیم رئیس سازمان استخدامی گفته دولت جذب ۵۰۰ مدیر جوان را آغاز می کند. از همین تربیون پلخمون به این مدیران جذب شده تبریک می گوئیم! برویم ببینیم چالش های چنین استخدامی چیست.

رعایت دقیق شرایط استخدامی



پدر جان، مثل شما مدیر زیاده گفتن جوون باشه.

بچه جان، سن من از میانگین سن تیم ملی هم کمتره. آدم باید دلش جوون باشه. من که بالاخره مدیر می شم، بعدش یادم می مونه اول بایدکی رو تبدیل نیرو کنم!

فامیل بازی هم که اصلا و ابدا!



زرشک! زرنگی؟ دوره فامیلی این دفعه نوبت شماست.

بهرت نیست برای بهره وری بیشتر همه با هم بریم خونه شما دورکاری کنیم؟

ضوابط آری. روابط خیر!



قربون مدیر جوونمون برم من. شما می تونی از الان بری سر کار! بقیه برگردن برن دنبال کار خودشون!

بابا سلام رسوندن، گفتن بنزتون ترخیص شد.

سخت گیری بی مورد ممنوع



وضعیت استخدام چطور بود؟ امروز ما سه م جایگزین پیدا نشد؟

نه رئیس، خیلی عجیبه که هنوز مدیر کمتر از سی سال سن که چهل سال سابقه مدیریت داشته باشه پیدا نکردیم.

قانون پایستگی صندلی مدیریت



برو آهنگ بگذار، خودت هم دور صندلی ها بدو. هر وقت آهنگ رو قطع کردی ببین کدوم صندلی خالیه، همونجا بشین مدیر بشو!

مدیر سرکاری؟ نه، مرسی!



بفرمایین قهوه تون رو بگیرین که من بعدش جلسه جای کپشه ای با معاونین دارم!

آفرین، چرخه کافینومون خیلی خوب داره مدیریت می شه.